



انترناسیونال

۲۱۷

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۸ آبان ۱۳۸۶، ۹ نوامبر ۲۰۰۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

سردبیر: محسن ابراهیمی Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

جنگ، اپوزیسیون و سرنگونی جمهوری اسلامی گفتگو با حمید تقوایی



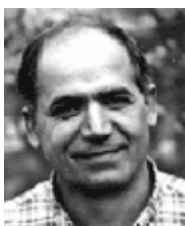
محسن ابراهیمی: تنش میان جمهوری اسلامی و دولت آمریکا برسر پروژه اتمی حکومت اسلامی یا تحت این عنوان و توجیه در ماههای اخیر حادثه شده است. حداقل رسانه های غرب این تصویر را میدهند که محافلی از دولت آمریکا تلاش میکنند شرایط را برای حمله نظامی به ایران آماده تر کنند. تروریست نامیدن سپاه قدس و تبلیغ بر سر دخالت سپاه پاسداران در اوضاع عراق و کمک نظامی به گروههای اسلامی شیعه و غیره از زمینه سازی برای یک حمله قلمداد میکنند. بعضا این شرایط را با شرایط قبل از حمله نظامی به عراق مشابه میدانند. نظر شما در این مورد چیست؟ چقدر حمله نظامی آمریکا به ایران جدی است؟ دقیقتر اگر بخواهم سوال کنم: چه زمینه ها و فاکتورهایی به نفع امکان حمله نظامی به ایران عمل میکنند و چه زمینه ها و فاکتورهایی در مقابلش هستند؟

حاکمه آمریکا طرح بیکر را در رابطه با بن بست که در عراق با آن روبروست عملاً پذیرفته و طبق آن عمل میکند. یکی از مفاد این طرح مذاکره و کنار آمدن با جمهوری اسلامی و سوریه برای یافتن یک راه آبرومند خروج از عراق بود. این مذاکرات را بطور مخفی و نیمه علنی شروع کرده اند. در کنار آن تحریم اقتصادی و تشدید این تحریمها و همزمان با آن تهدید حمله نظامی را هم بالای سر جمهوری اسلامی نگاهداشته اند. البته در صورتی که این فشارها موثر نیافتد حمله نظامی همانطور که مقامات آمریکائی بارها اعلام کرده اند، آخرین گزینه خواهد بود اما چنین به نظر میرسد که در شرایط حاضر دارند از "گفتمان" حمله نظامی استفاده دیپلماتیک میکنند.

برای بررسی عوامل له و علیه حمله نظامی باید از دید هیات حاکمه آمریکا به مساله نگریست. همانطور که بارها حزب ما اعلام کرده است مساله آمریکا و متحدینش در رابطه با جمهوری اسلامی صرفاً

صفحه ۲

صحبتی با کارگران در مورد جنگ و تبلیغات جنگی



اصغر کریمی

زمانی که جنگ ایران و عراق شروع شد، از همه طرف فشار به کارگران بالا گرفت. فضای کارخانه ها و کل جامعه میلیتاریزه شد، سرکوب ها شدت گرفت، اینبار مخالفین سیاسی انگ وابسته به رژیم عراق میخوردند و دستگیر میشدند، سربازگیری در کارخانه ها شروع شد، هر نوع انتقادی

به حکومت خفه میشد، گفتند تحریم شده ایم و تولید را باید افزایش دهیم، سرعت کار را بیشتر کردند، باجگیری وسعت گرفت، و این علاوه بر مصائب انسانی عظیمی بود که خود جنگ به مردم تحمیل کرد. در چنین فضائی اعتصابات در نطفه

صفحه ۴

بیانیه حزب کمونیست کارگری در باره خطر جنگ و مسابقه راست روی در اپوزیسیون

بالاگرفتن احتمال جنگ و گسترش تبلیغات جنگی و تشدید تقابل آمریکا و جمهوری اسلامی، فی الحال صف بندی ها در اپوزیسیون بورژوازی و غیر کارگری رژیم را تغییر داده، یا صحیح تر، شفاف تر کرده است. از میان آنهایی که مخالف جنگ

صفحه ۸

گزارش اصغر کریمی رئیس هیئت دبیران حزب به پلنوم ۲۹ کمیته مرکزی

۲۷ و ۲۸ اکتبر ۲۰۰۷

در گزارش خود این ارگانها آمده است. اینجا به رئوس فعالیت های برجسته ایندوره میپردازم:
۱- راه اندازی هات برد در ماه ژوئیه
۲- گسترش فعالیت در مراکز کارگری و بسط نفوذ حزب در میان کارگران
۳- تحکیم موقعیت حزب در کردستان
۴- گسترش نفوذ سیاسی و تشکیلاتی حزب در دانشگاه ها

در فاصله بین دو پلنوم، یعنی در پنج ماه گذشته جامعه تحولات مهمی را از سر گذرانده و حزب نیز فعالیت های مهمی انجام داده است و یکی از بازگران صحنه سیاست در جامعه بوده است. سعی میکنم رئوس مهمترین اقدامات را بطور فشرده توضیح دهم. طبعاً هدف این گزارش لیست کردن همه فعالیت ها نیست. فعالیت ارگانهای مختلف به تفصیل

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

احتمال دستیابی رژیم اسلامی به سلاحهای اتمی نیست. این يك جزء مساله هست اما جنبه فوری تر و مبرم تر مشکل آمریکا دخالتهای جمهوری اسلامی در عراق و فلسطین و کلا در منطقه است. اگر مساله اتمی شدن جمهوری اسلامی در میان مدت و بعنوان يك تهدید بالقوه برای آمریکا و غرب مطرح است، نفوذ فزاینده و دخالت جمهوری اسلامی در منطقه همین امروز و بعنوان يك مساله عاجل، بعنوان جزئی از مساله عراق و لبنان و فلسطین، در مقابل آمریکا و غرب قرار دارد و باید سریعاً راه حلی برای آن بیاندیشند. آمریکا میتواند با يك جمهوری اسلامی اتمی رام شده و یا لافل بیطرف کنار بیاید. همانطور که با پاکستان اتمی مشکل چندانی ندارد. اما نفوذ و دخالتگری جمهوری اسلامی در عراق و فلسطین و لبنان را بهیچوجه نمیتواند تحمل کند. از سوی دیگر باید توجه داشت که موقعیت امروز جمهوری اسلامی در منطقه نتیجه مستقیم حمله آمریکا به عراق و باتلاقی است که وضعیت عراق برای آمریکا ایجاد کرده. کلا رشد اسلام سیاسی و گسترش نفوذ نیروهای اسلامی در فلسطین، در لبنان و در خود عراق و حتی در ترکیه و مصر و دیگر کشورهای شمال آفریقا، از نتایج بلافضل، و البته کاملاً قابل پیش بینی حمله آمریکا به عراق بود و جمهوری اسلامی هم بر متن چنین شرایطی توانسته است در منطقه نفوذی به هم بزند و به يك نیروی غیرقابل صرفنظر کردن در معادلات منطقه ای تبدیل شود. بنا براین حمله نظامی آمریکا حتی اگر بتواند پروژه هسته ای را متوقف کند، که در همین هم جای تردید بسیار است، مسلماً در رابطه با نفوذ منطقه ای رژیم اسلامی معکوس عمل خواهد کرد. یعنی باعث بسط بیشتر نفوذ جمهوری اسلامی، این بار بعنوان قربانی مستقیم شیطان بزرگ و قهرمان جنبش اسلام سیاسی در برابر غرب، خواهد شد. مگر البته چنین فرض کنیم که حمله آمریکا به سقوط جمهوری اسلامی منجر خواهد شد که این نه هدف آمریکا است و نه عملاً از لحاظ نظامی برای آمریکا ممکن است. حمله آمریکا بیشتر شبیه حمله اول این کشور به عراق

خواهد بود تا حمله دوم.

عامل دیگری که در بررسی احتمال حمله آمریکا باید در نظر گرفت بن بست این کشور در عراق است. آمریکا در مقایسه با مقطع حمله به عراق هم از لحاظ سیاسی و هم نظامی در موقعیتی بسیار ضعیف تر برای دست زدن به يك هجوم نظامی قرار دارد. بر خلاف مقطع جنگ عراق اکثریت بالائی از مردم در خود آمریکا با حمله نظامی به ایران مخالفند و این مخالفت عمومی بسیاری از مقامات دولتی آمریکا، حتی نئوکنسرواتیستهای افراطی را نیز وادار کرده تا بسیار محتاط تر از گذشته از حمله به ایران سخن بگویند. این را هم باید در نظر داشت که برای آمریکا معنی پیروزی در این جنگ بسیار نامعین تر و مبهم تر از مورد عراق است. در جنگ اول عراق خروج این کشور از کویت و در جنگ دوم سرنگونی صدام هدف اعلام شده تهاجم نظامی آمریکا بود و به این اهداف هم رسید. اما در مورد ایران جلوگیری از پروژه هسته ای و یا ممانعت از دخالتگریهای منطقه ای جمهوری اسلامی هدفی نامشخص و مبهم است که قابل مشاهده و اندازه گیری نیست. جمهوری اسلامی حتی بعد از شدیدترین حملات میتواند پروژه های هسته ای خود را دنبال بگیرد و تا آنجا که به مساله موقعیت منطقه ای رژیم مربوط میشود نیز جنگ بی تردید نه تنها به انزوای منطقه ای رژیم منجر نمیشود بلکه برعکس همانطور که اشاره کردم موجب گسترش این نفوذ خواهد شد.

کننده در تحولات سیاسی جامعه ایران است که میتواند تمامی محاسبات دولتها و نیروهای راست و ارتجاعی را در هم بریزد و نقشه های آنان را نقش بر آب کند. فاکتورهائی که در بالا شمردم عوامل منفی و بازدارنده حمله نظامی به ایران است. اما علیرغم این شرایط امکان حمله نظامی منتفی نیست. اساساً به این دلیل که آمریکا و غرب نمیتوانند دخالتگریهای بالفعل همین امروز جمهوری اسلامی در منطقه و خطر بالقوه ای که در آینده يك جمهوری اسلامی اتمی ایجاد خواهد کرد را تحمل کنند. و ازینرو اگر راه دیپلماتیکی برای این مساله نیابند به راه حل نظامی روی خواهند آورد. این حتی میتواند بعنوان راهی برای شکستن بن بست عراق تلقی شود و این یکی از دلایل برخی از جنگ طلبان در هیات حاکمه آمریکا در دفاع از حمله به ایران است.

نکته ای که لازم است در اینجا مورد تاکید قرار بدهم اینست که احتمال حمله نظامی به ایران هر چه باشد، تأثیری بر سیاستها و فعالیتهای حزب ما برای جلوگیری از خطر جنگ و در صورت وقوع جنگ ختم آن به نفع مردم در ایران و در منطقه و در سراسر جهان نخواهد داشت. این واقعیت که امکان چنین حمله ای منتفی نیست و این احتمال هر چه باشد از هم اکنون فضای جنگی بعنوان يك فاکتور مهم در تحولات سیاسی جامعه ایران نقش بازی میکند، کافی است تا حزب ما، جنبش کارگری و سایر جنبشهای اعتراضی در جامعه در ایران و در يك مقیاس جهانی، سیاست و وظایف مبارزاتی معینی را در رابطه با تهدید و وقوع جنگ در دستور خود قرار بدهند. احتمال جنگ و پیش بینی دقیق زمان ونحوه وقوع و یا عدم وقوع آن شاید برای آن دسته از نیروهای اپوزیسیون که به تحولات از بالا دل بسته اند عامل تعیین کننده ای بحساب بیاید اما برای ما جنگ و فضای جنگی تنها شرایط تازه ای برای پیشبرد خط و سیاست همیشگی حزب مبنی بر سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب مردم است.

محسن ابراهیمی: در محافل دولتی آمریکا از این صحبت میشود آمریکا مشکلی با مردم ایران ندارد.

میخواهد فقط به مراکز نظامی و سپاه و اتمی حمله میکند. طوری تبلیغ میکنند که حتی این به نفع مردم ایران است. نظر شما در باره حمله نظامی به ایران حتی اگر در شکل حمله به مراکز نظامی و پروژه های اتمی باشد چیست؟

حمید تقوایی: حمله آمریکا به ایران در هر شکلی از لحاظ انسانی يك فاجعه و از لحاظ سیاسی يك عامل بازدارنده و منفی و به ضرر جنبشهای اعتراضی و مبارزات انقلابی مردم خواهد بود. از نظر انسانی حتی اگر بخواهند تنها مراکز نظامی و هسته ای را بزنند زندگی و هستی انسانهای زیادی که در جوار این خون کشیده میشود. هر جنگ دولتهای بورژوازی از مردم عادی، از کارگران و زحمتکشان، قربانی میگردد ولی این حتی جنگ به معنی متعارف کلمه نیست، هجوم بمب افکنها به شهرها و مناطق مسکونی مردم است و ازینرو مستقیماً جان و زندگی و هستی مردم بیشماری را به نابودی خواهد کشید. يك هدف اعلام شده حمله آمریکا به مراکز هسته ای رژیم است. حتی اگر فقط به این مراکز حمله کنند انتشار مواد رادیواکتیو و آلودگی محیط زیست تا نسلها زندگی مردم مناطق همجوار این مراکز را تباہ خواهد کرد. این جنگ يك کشتار و جنایت عظیمی است که باید با تمام قوا مقابل آن ایستاد.

از نظر سیاسی جنگ موقعیت جمهوری اسلامی را در منطقه تقویت خواهد کرد. کافی است رژیم از مبارزات جان سالم بدر ببرد، کافی است فقط باقی بماند تا بعنوان طرف پیروز جنگ ظاهر شود. این جنگ به جمهوری اسلامی و کلا به جنبش فوق ارتجاعی اسلام سیاسی در منطقه و در سراسر جهان زمینه رشد و گسترش خواهد داد و يك بار دیگر فرقه ها و شخصیتهای مالیخولیائی "ضد امپریالیست" را بدنبال جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی به خط خواهد کرد.

در خود ایران رژیم این امکان را پیدا میکند که به بهانه جنگ و یا خطر جنگ مردم را به سکوت و سکون فرا بخواند و تلاش کند هر اعتراضی را تحت عنوان هم جهتی و همکاری با دشمن در هم بکوبد. این شیوه کار همه دولتهای بورژوازی در شرایط جنگی است و حکومت

اسلامی نیز از همین اکنون این شیوه را در پیش گرفته است.

در میان نیروهای اپوزیسیون بورژوازی احتمال جنگ و فضای جنگی زمینه نزدیکی این نیروها به یکی از طرفین جنگ، آمریکا و یا جمهوری اسلامی را فراهم میکند. این جهت گیریها نیز از هم اکنون آغاز شده است. مجموعه این شرایط بروشنی نشان میدهد که جنگ و حتی تهدید جنگ و فضای تبلیغات جنگی هم از نظر انسانی وهم از لحاظ سیاسی بعنوان عاملی تماماً در برابر مردم و مبارزات انقلابی آنها عمل میکند و باید با تمام قوا در برابر آن ایستاد.

محسن ابراهیمی: در صورت حمله نظامی آمریکا، امکان از هم گسیختن شیرازه مدنی جامعه، مستاصل شدن مردم، میداننداری و بیکه تازی باندها و فرقه های ناسیونالیست قوم پرست و مذهبی چقدر است؟ چقدر ممکن است جامعه ایران به شرایط عراق امروز دچار شود؟

حمید تقوایی: به نظر من چنین احتمالی بسیار ضعیف است. همانطور که بالاتر اشاره کردم شرایط سیاسی و اجتماعی ایران با عراق و افغانستان اساساً متفاوت است و مهمترین وجه این تمایز مبارزات و جنبشهای اعتراضی است که امروز دیگر با خواستها و شعارهای صریحاً چپ و سوسیالیستی در برابر جمهوری اسلامی قرار گرفته است. جامعه ایران بر خلاف عراق در مقطع حمله آمریکا، و حتی ایران در دوره اختناق آریامهری، يك جامعه مرعوب و مقهور شده نیست، فعال و معترض و مدام در حال جوشش است و همین فاکتور احتمال عراقیزه شدن جامعه ایران را بسیار ضعیف میکند.

این جنگ ممکن است مراکز تولیدی و صنعتی را در هم بکوبد، جامعه را از نظر اقتصادی فلج کند و تلفات انسانی زیادی ببار آورد ولی این هنوز لزوماً به معنی متلاشی شدن مدنیت و ایجاد شرایط سیاهی نظیر عراق نیست. شرایطی شبیه عراق، که ما در ادبیات حزبی آنرا سناریوی سپاه مینامیم، يك پدیده نظامی - اقتصادی نیست، بلکه پدیده ای اجتماعی - سیاسی است. استیصال مردم، وجود زمینه رشد و کسب نفوذ نیروهای مذهبی و قومی

از صفحه ۱ گزارش اصغر کریمی ...

در کنگره قول داده بودیم هات برد را از ماه جون شروع کنیم اما مشکلاتی که کمپانی مربوطه ایجاد کرد باعث شد که با یک تاخیر یک ماهه از روز ۲۱ جولای شروع شود. هزینه های حزب نیز تصور میکردیم ماهانه ۲۰ هزار دلار افزایش می یابد اما کمپانی نرخ را بالا برد و متاسفانه ۲۹ تا ۳۰ هزار دلار هزینه های ماهانه حزب افزایش یافت. اکنون سه ماه از فعالیت ما در هات برد میگذرد و کانال ما سرعتی که فکرش را نمیکردیم در سراسر کشور توده ای شده است. فعالین حزب در چند استان مختلف مدعی هستند که از نظر تعداد بیننده به دومین کانال فارسی زبان تبدیل شده ایم. من شخصا در این تردید دارم اما بجزرات میتوانم بگویم که از نظر تعداد بیننده در رده سه کانال اول فارسی زبان قرار گرفته ایم. چیزی که سالها بود در مقابل خود قرار داده بودیم. و این علیرغم امکانات بسیار پائین ما از زاویه فنی و پرسنلی و امکانات مالی است. پیامهای زیادی که هرروزه به پیامگیر میرسد نشان میدهد که بیننده ها نه صرفا روشنفکران و طیفی خاص بلکه توده های عادی و متنوع مردمند از کارگر و کارمند و معتاد و کارگر بیکار و افغانی و پیر و جوان از سراسر کشور.

کانال جدید امروز به بخشی از زندگی مردم، به یک واقعه مهم سیاسی در جامعه ایران، و به یک فاکتور مهم تغییر اوضاع سیاسی و تغییر موقعیت کارگر و کمونیسم کارگری در ایران تبدیل شده است. موقعیت تلویزیون را باید از صحبت مدیر عامل نیشکر هفت تپه فهمید که میگوید: متاسفانه عده ای از خارج کارخانه، کارگران را تحریک می کنند که از این اعتراض صنفی آنها سوءاستفاده کنند، در این میان دشمن حسن استفاده می کند، رسانه های خارجی مرتب در بوق و کرنا می کنند. شفیعی گفت: تجمع کنندگان را نمی توان دستبندی کرد، ولی عده ای این بحث های صنفی را به صورت هدفمند دنبال می کنند و مرتب در رسانه های خارجی در بوق می کنند که اغراض سیاسی خود را پیگیری کنند.

راه اندازی هات برد یکی از بزرگترین پروژه های حزب در تاریخ

فعالیت خود بود. در واقع حزب از سه سال و نیم پیش صاحب تلویزیون شده بود اما تل استار هیچوقت جایگاه هات برد را نداشت.

برای حفظ این جایگاه و برای ارتقای تلویزیون از نظر کیفیت برنامه ها، تنوع برنامه ها، ارتقای ژورنالیسم، تصویری کردن، و بهبود فنی از جمله نور و دکور و غیره باید تلاش هرروزه کرد.

در این مدت استودیوی کانادا شروع به کار کرده اما مشکلات مالی اجازه نداد که استودیوهای سوئد و آلمان نیز دایر شوند. اینکار برای تولید بیشتر، تولید خیر و تولیدات متنوع دیگر و درگیر شدن تعداد بیشتر کادر برنامه ساز و فنی حیاتی است. در بحث حول وضعیت مالی حزب، مشکلات مالی مربوط به ادامه کاری تلویزیون ۲۴ ساعته و راههای تامین مالی را مفصل تر مورد بحث قرار میدهم.

۲- فعالیت برجسته دیگر حزب در محیط های کارگری بوده است. حزب در چند سال گذشته تمرکز بیشتری روی محیط های کارگری داشته و به مسائل جنبش کارگری پاسخ شایسته داده و گسترش نفوذ حزب در میان کارگران و فعالین کارگری کاملا محسوس بوده است. ما روندهای سیاسی را درست تشخیص داده ایم و سیاست و سبک کار هوشیارانه و درستی در قبال جنبش کارگری در پیش گرفته ایم و این از عرصه های بسیار موفق کار ما بوده است. حجم تبلیغات ما در مورد مسائل مختلف مربوط به جنبش کارگری و بحث و بررسی جنبه های مختلف آن، انعکاس اخبار اعتراضات و اعتصابات بالا است و با انعکاس و استقبال خوبی در میان محافل کارگری مواجه میشود. دوستان سابق ما مینالند که کارگران مراکز کلیدی و نفت و ... دستشان روی کلاه خودشان است و به توصیه های آنها گوش نمیدهند! ولی به عرض این دوستان میرسانم که کارگران به مباحث ما گوش میدهند و از آنها استقبال میکنند. شاید دوستان ما سیاستشان به کارگر و مسائلتش نامربوط است شاید هم طبقه کارگر دارد اشتباه میکند!

یکی از مهمترین اعتصابات کارگری در هفته های گذشته،

اعتصاب در نیشکر هفت تپه بود. ما بی وقفه و فشرده اعتراض کارگران را منعکس کردیم، و رهنمودهای سنجیده و درستی مطرح کردیم. کارگران هفت تپه در جریان این اعتصاب تجارت ارزشمندی بجای گذاشتند، نه به وعده های شفاهی اعتنا کردند، نه در مقابل دستگیری فعالین اعتصاب جا زدند. در بیانیه پایان اعتصاب اعلام کردند که هر هفته مجمع عمومی خود را تشکیل خواهند داد و برای ایجاد سنیکا نیز دست به اقدام عملی زدند. و داشتن تشکل را حق خود دانستند. مدام به جامعه و از هر طریق که توانستند خبر رسانی کردند، به اهمیت دادن بیانیه کم و بیش واقف شدند، از رهبرانشان قدردانی کردند و با مجموعه اقداماتی اعتصاب را از محدوده کارخانه بیرون آوردند و به یک موضوع اجتماعی تبدیل کردند. با طرح برگزاری مجمع عمومی و صرف نظر از اینکه هنوز آنرا تشکیل داده اند یا نه، ولی شیپور مبارزه مهمی را به صدا درآوردند و یک گفتن مهمی را در جهت گسترش مجمع عمومی مطرح کردند و این یک موفقیت برای کل طبقه کارگر است. در جریان اعتصاب کانال جدید خیلی سریع جای خود را در میان کارگران هفت تپه باز کرد.

بدلیل مباحث بجائی که در برنامه های مختلف انترناسیونال و کارگران و یک دنیای بهتر انجام شد، موقعیت حزب و کانال جدید بیشتر در میان کارگران در مراکز مختلف کارگری تحکیم شد و توجه به حزب گسترش یافت. بعنوان نمونه کارگر یکی از مراکز تولیدی برای اولین بار تماس گرفت و گفت ما هم چندماه است حقوق نگرفته ایم، چرا در تلویزیون از ما صحبت نمیکند و ما را راهنمایی نمیکنید که دستمزد هایمان را بگیریم. و این نمونه ای از تاثیر کار ما در هفت تپه بود.

۳- در پنج ماه گذشته موقعیت حزب در کردستان نیز بیشتر تحکیم شده است. اینرا در گزارش کمیته کردستان، و ویژه در فعالیت های اجتماعی که در شهرها دیده میشود میتوان بوضوح مشاهده کرد. یک وجه این پیشروی را در برگزاری گسترده روز جهانی کودک در شهرهای کردستان میتوان دید که وسیعتر و رادیکال تر از سالهای

گذشته برگزار شد و حزب وسیعا آنرا منعکس کرد.

موقعیت های چندماه گذشته اعتماد بنفس فعالین حزب را بالاتر برده، تجارب فعالیت اجتماعی آنها بیشتر شده و موقعیت آنها در برخی شهرها بوضوح بهبود یافته است. نقاط ضعف را نیز در گزارش کمیته کردستان میبینیم. از جمله علیرغم اینکه تامین پرسنل بیشتر برای کمیته کردستان برای تماس گیری با داخل در اولویت ما بود، کماکان این مشکل سر جای خود باقی است.

۴- طبق گزارش سازمان جوانان، حزب در دانشگاهها دارد موقعیت و نفوذش عوض میشود، هم موقعیت تشکیلاتی و هم نفوذ سیاسی حزب در این فاصله از بهبود چشمگیری برخوردار شده است.

۵- در زمینه مبارزه با اعدام، در گزارش کنگره گفتیم که این عرصه یکی از شاهکارهای ما بوده است. در این فاصله روزهای ۷ سپتامبر و ۱۰ اکتبر فعالیت مهمی را به پیش بردیم. هفت سپتامبر به فراخوان زندانیان سیاسی و زیر اعدام آکسیون قدرتمندی در ۱۵ شهر در کشورهای مختلف سازمان دادیم و این پیش درآمد یک ۱۰ اکتبر قوی تر شد. اعدام در ایران مورد توجه وسیع در سطح بین المللی قرار گرفت. کار کمیته علیه اعدام نتایج درخشان تری داد و راه برای فعالیتش هموارتر شد. با فعالیت های گسترده ای که انجام شد، ترم اعدام قتل عمد دولتی است و وسیعا نه تنها در ایران بلکه در میان بسیاری از فعالین و نهادهای بین المللی علیه اعدام جا افتاد. اگر تلویزیون صدای آمریکا یک ساعت با مینا مصاحبه میکند، بیانگر این است که فشار جریان ما بر راست چقدر سنگین شده است و مشغله های راست! چقدر تغییر کرده است. در سطح جهانی نیز اگر جمهوری اسلامی قبلا با بی حقوقی کارگر، با بی حقوقی زن و سرکوب مخالفین و مذهبی بودن خود شناخته میشد امروز علاوه بر اینها بعنوان حکومت اعدام هم شناخته میشود.

۶- یک فعالیت چشمگیر کادرهای حزب در این دوره فعالیت واحدهای اکس مسلم است. در این فاصله در انگلیس و هلند و سوئد نیز شعبات اکس مسلم پا گرفت که

مشخصا در مورد واحدهای سوئد و انگلیس کادرهای حزب نقش تعیین کننده ای در ایجاد آن داشتند. و بدین طریق نهادی که به آلمان محدود بود به سطح اروپا گسترش یافت و با استقبالی که از آن شد و انعکاس وسیعی که در سطح بین المللی و ویژه اروپا یافت، اکس مسلم را به یک پدیده شناخته شده و بانفوذ اروپائی تبدیل کرد.

با اقدامات گسترده در اروپا و در سطح بین المللی، سکولاریسم پرچم روشن تری پیدا کرد، اعتماد به نفس بیشتری به سکولاریست های اروپا داد که صریحتر و رادیکال تر و تعرضی تر حرف بزنند. تعداد اعضای جریانات سکولار بدنیاال فعالیت واحدهای اکس مسلم سرعت رشد کرد. امروز بسیاری از سکولارها از اکس مسلم بعنوان یکی از مهمترین اتفاقات به نفع سکولاریسم صحبت میکنند. در ادامه این فعالیت ها بود که جایزه سکولاریست سال در انگلیس به مینا احدی، بدلیل مجموعه فعالیت های ارزشمندش اهدا شد.

فعالیت های گسترده مریم نمازی در این فاصله و تداوم فعالیت مینا احدی و مصاحبه ها و درج مقالات و نوشته های آنها در نشریات و در رسانه های جهانی ... این رقفا را در رده مشهورترین شخصیت های ایرانی در این زمینه تبدیل کرد. رسانه هانی که سالها میدانستند کمونیستها چه میکنند اما سکوت میکردند علیرغم تمایلشان به استقبال اینها رفتند.

نسبیت فرهنگی بی آبرو شده بود و شکست خورده بود. الان این شکست فاحش تر شده است. الان رسما و عملا روشنفکران آنرا مسخره میکنند. این هم یکی از موفقیت های ما بود پرچم این مبارزه را ما بلند کرده بودیم.

نکته مهم دیگر در این زمینه، حضور کمونیست ها در رسانه های بین المللی است. قبلا هم تعدادی از کادرهای حزب را اینجا و آنجا میشناختند اما براحتی به آنها تریبون نمیدادند. آنتی کمونیسم اجازه نمیداد زیاد به آنها میدان بدهند ویژه در جانی مثل انگلیس. اما در ماههای گذشته به لطف گسترش فعالیت های کادرهای حزب، از جمله در انگلیس دیوار این سانسور بیشتر شکست و رسانه های مختلف

از صفحه ۱ صحبتی با کارگران ...

خفه میشد و رهبران و فعالین جنبش کارگری تحت شدیدترین فشارها قرار میگرفتند. جنگ به جمهوری اسلامی کمک کرد که شوراهای کارگری و جنبش اعتصابی گسترده ای که همه جا شکل گرفته بود و مخالفین سیاسی را سرکوب کند و خود را تثبیت کند. بیجهت نبود که خمینی جنگ را یک برکت و مانده آسمانی دانست.

اینبار هنوز جنگی شروع نشده، رجزخوانی و فشار به کارگران و مردم زحمتکش شروع شده است. قیمت ها بطور تصاعدی افزایش یافته و فشار اقتصادی بر کرده کارگران شدیداً افزایش یافته است. خامنه ای علیه فرهنگ مصرفی و وزیر کشور از صرفه جویی در سوخت صحبت میکنند. معنای واقعی این را مردم سه دهه است میدانند و بخوبی با آن آشنا هستند و این هنوز پیش درآمد، حمله وسیعتر است. اما این دوره، دوره جنگ ایران و عراق نیست، فاکتورهای مختلف به زبان رژیم و به نفع مبارزه مردم تغییر کرده است. مردم در موقعیت بسیار متفاوتی از آن دوره هستند. اگر در سالهای ۵۹ به بعد جمهوری اسلامی در حال تثبیت خود بود و از جنگ استفاده کرد، اینبار پایه های حکومت لرزان است، در بحران همه جانبه دست و پا میزند، تجربه کارگران براتب بیشتر است، جنبش سرنگونی قدرتمندی در جامعه وجود دارد، حزب کمونیست کارگری در صحنه است و همه این فاکتورها به مردم امکان میدهد نه تنها هر تعرضی به بهانه جنگ را خنثی کنند بلکه خود را برای تعرضات وسیعتر آماده سازند. تا آنجا که به مراکز کارگری و جنبش کارگری مربوط است، وظایف جدید و مهمی بر دوش فعالین و رهبران کارگری قرار گرفته است. باید از هم اکنون خود را برای شرایط جدید آماده کرد.

نمیگذاریم تبلیغات رژیم و شوراهای اسلامی در میان کارگران جا باز کند

ما را تحریم کرده اند، اعتصاب ممنوع، کمتر بخواهید، و بیشتر کار کنید این محور تبلیغات و فشارهای حکومت و کارفرماها در این دوره در میان کارگران خواهد بود. اینبار هم سعی میکنند از

بمب اتم، نه حقوق ۱۸۰ هزاری و نه حاضرند جور جنگ طلبی و تحریم ها را بکشند. اینبار نمیگذاریم يك ذره از تبلیغات رژیم و شوراهای اسلامی در میان کارگران جا باز کند و بخشی از کارگران را به دام رژیم بیندازد. کارگران پیشرو باید از همین الان با حساسیت تمام حتی نگذارند يك کارگر تحت تاثیر تبلیغات رژیم و امام جمعه ها و عوامل رژیم در کارخانه قرار گیرد. کارگران نیشکر هفت تپه به درست بر خواست خود مبنی بر انحلال شورای اسلامی و برگزاری مجمع عمومی منظم تاکید کرده اند و راه را به همه نشان داده اند. راه درست مقابله با عوامل رژیم در کارخانه ها انحلال آنها و ایجاد تشکیلات واقعی خود کارگران است.

جنبش اعتصابی برای بهبود معیشت را گسترش میدهیم

مبارزه برای بهبود شرایط زندگی، افزایش دستمزد، کاهش ساعت کار، ممنوعیت به تعویق انداختن دستمزدها، ممنوعیت اخراج، بیمه بیکاری مکفی و سایر مطالبات کارگران موضوع دائمی مبارزه کارگران بوده است. ضرورت مبارزه برای این مطالبات در شرایط جدید شنیدنی افزایش یافته است. مبارزه برای مطالبات را باید گسترش دهیم. سرمایه داران و دولتشان، در شرایطی که هنوز معلوم نیست اساساً جنگی صورت بگیرد یا نه، به بهانه جنگ و تحریم، جنگشان را علیه کارگران تشدید کرده اند. بعنوان اولین قدم جنس هایشان را به دو برابر قیمت دارند میفروشند. این تعرض را تنها با اتحاد و تشکل، با گسترش مبارزه و اعتصاب میتوانیم پاسخ دهیم. سرعت باید بر نداشتن تشکل غلبه کنیم و کارگران هفت تپه را الگوی خود قرار دهیم. تشکل همیشه برای ما ضروری بوده است اما اهمیت آن در شرایط کنونی دو چندان شده است. حداقل دستمزد باید چند برابر شود، حداقل يك میلیون تومان، باید به شعار و خواست این دوره ما تبدیل شود. این موضوع مهم مبارزه ما در شرایط کنونی و پاسخ ما به این شرایط است. این حق ما است که در مقابل تعرض آنها، ما نیز آماده شویم، متشکل شویم و مطالباتمان را با قدرت دنبال کنیم.

آیا میتوانیم؟

سوال این است که آیا در شرایطی که حکومت تبلیغات و اقداماتش را

از صفحه ۳ گزارش اصغر کریمی ...

مختلف مشاهده کنیم اما از نظر تشکیلاتی نیز باید سرعت دست به کار شویم. از هر نظر شرایط برای گسترش تشکیلاتی حزب، عضوگیری وسیع، رشد کمی و کیفی کادر و ایجاد واحدهای تازه فراهم است. موانع تشکیلاتی و بعضاً ذهنی درمیان رفقا را باید فوراً رفع کرد.

این گوشه ای از فعالیت حزب در پنج ماه گذشته است. کماکان نقطه قدرت حزب اتکا به تحلیل های واقع بینانه ای است که حزب از موقعیت جمهوری اسلامی و سیر تحولات سیاسی در ایران داشته است. این نقطه قوت است که حجم وسیعی از فعالیت حزب را عملی کرده است. *

برای خفه کردن کارگران بیشتر بکار میگیرند میتوانیم مبارزه را تشدید کنیم؟ همه شواهد عملی بودن اینرا نشان میدهند. رژیم در شرایطی میخواهد تعرض کند که همه جا اعتراض است. بویژه با سر کار آمدن احمدی نژاد تلاش کردند مردم را مرعوب کنند که نتوانستند و کسی تسلیم نشد. تنها در شش ماه اول سال جاری طبق آمار خودشان چند میلیون زن در خیابان درمقابل حجاب و مقررات اسلامی دست به مقاومت زده اند. دانشگاهها هرروز در اعتراضند. روزی نیست که کارخانه هائی در اعتصاب نباشند. راه دیگری مقابل مردم نیست. مردم کوتاه نمی آیند. حکومت در بحران است. در سطح بین المللی بشدت منزوی و تحت فشار است. در داخل پروژه ارعابش نگرفت. اختلاف در میان باندهای حکومت به قوت خود باقی است. اعتصاب کارگران هفت تپه نشان داد که حکومت درمقابل اتحاد و مبارزه کارگران شنیدنی ناتوان است. در دوره جنگ ایران و عراق رژیم به مراتب قوی تر از الان بود. خبری از جنبش سرنگونی و این همه اعتراض در سراسر کشور نبود. کارگران نه اتحاد کنونی و نه تجارب يك دوره طولانی اعتصاب را نداشتند. با اینهمه با شعار قطع جنگ مقابل رژیم ایستادند، گفتند به جبهه نمبرویم، باج و خراج جنگی نمیدهیم، هر بمبی که به خانه مردم میخورد صدای مردم علیه رژیم و جنگ بلند میشود. کارگران و مردم ناراضی فرمان پایان جنگ را در

مباحثه های متعددی با مریم نمازی داشتند. مریم نمازی در این دوره به يك چهره بسیار شناخته شده نه تنها در انگلیس بلکه در ابعاد وسیعتری تبدیل شد. همین اتفاق در ابعاد وسیعتری درمورد مینا احدی افتاده است. تعداد مصاحبه های رادیو و تلویزیونی و یا روزنامه ها با مینا احدی چنان زیاد است که قابل جمع آوری نیست. و دامنه آن فقط به آلمان محدود نیست. مریم و مینا همچنین بعنوان سخنران و اغلب به عنوان سخنران اصلی تعداد قابل توجهی سمینار دعوت شده اند.

در خارج کشور، در گزارش کنگره گفتیم که دوره رشد ما در خارج شروع میشود. اینرا از نظر سیاسی میتوانیم در زمینه های

کارخانه ها و خیابانها صادر کردند و سران رژیم را مجبور به نوشیدن جام زهر کردند. الان فاکتورهای زیادی به نفع کارگران و مبارزه مردم تغییر کرده است. شکاف در حکومت بسیار عمیق تر شده و بحرانها همه جانبه تر شده است. رژیم برای مقابله با تهدیدات جنگی و یا خود جنگ مجبور است داخل را آرام نگهدارد، اما توان ارعاب و ساکت کردن مردم را ندارد. پروژه های ارعابش یکی پس از دیگری ناکام مانده است. قادر به پس زدن اعتصابات کارگری نشده است. از گسترش اعتصابات کارگری در این شرایط وحشت دارد. در چنین شرایطی میتوانیم همه جا برای مطالباتمان دست به اعتراض و اعتصاب بزنیم تا نگذاریم شرایط سخت تری به ما تحمیل کنند. این تنها راه مقابل کارگر است. در شرایط جنگ و یا فضای جنگی، فرصت هائی بسته میشود اما فرصت هائی باز میشود. در روسیه کارگران به رهبری حزب بلشویک، حکومت تزار را درست در گرمارگم جنگ و زمانیکه حکومت بیش از هر زمان نیرو بسیج کرده بود و همه جا را نظامی کرده بود، سرنگون کردند و به جنگ هم پایان دادند. مردم نه جمهوری اسلامی را میخواهند نه جنگش را، نه نتایج جنگش را. دیگر حاضر نیستند بدبختی های جنگ را هم تحمل کنند. این مهمترین معضل جمهوری اسلامی در شرایط کنونی است. این فرصتی است که این شرایط را علیه خودشان بچرخانیم. *

از صفحه ۲ گفتگو با حمید تقوایی

و زمینه داشتن ضد آمریکائی گری ارتجاعی چنین نیروهائی در جامعه از ملزومات شکل گیری سناریوی سیاه در يك جامعه است و در ایران نه تنها هیچ يك از این شرایط وجود ندارد بلکه عکس آن صادق است. نزدیک سه دهه حاکمیت ارتجاع اسلامی و ضد آمریکائی گری ارتجاعی رژیم جامعه را نسبت به نیروهای باند سیاهی تا حد زیادی مصون کرده است. این جنگ ممکن است نفوذ رژیم در دیگر کشورهای اسلامزده را بعنوان قربانی و یا قهرمان مبارزه با آمریکا گسترش بدهد ولی در خود ایران جنگ باعث تشدید نفرت و رویگردانی مردم از رژیم خواهد شد. سه دهه ارتجاع اسلامی حاکم يك صف اعتراض چپ و انسانی را در مقابل خود بسیج کرده است که نه تنها نیروهای مذهبی بلکه نیروهای قومی و ناسیونالیستی نیز در آن جایگاهی ندارند. این واقعیت در بیانیه ها و شعارهای اعتراضی مردم نظیر "يك کره ارض يك انسان" و "يك نژاد آنها نژاد انسانی" و "کلا رشد سکولاریسم و دفاع از حرمت و معیشت و منزلت انسانی در جامعه خود را نشان میدهد و همین خصلت چپ و انسانی و رادیکال مبارزات و اعتراضات مردم مهمترین تضمین جلوگیری از سناریوی سیاه در ایران است. البته ناگفته پیداست که برای ممانعت از سناریوی سیاه این خط چپ رادیکال باید در صحنه سیاست و بخصوص در مقابل جنگ نمایندگی بشود و من با توجه به وجود حزب کمونیست کارگری بعنوان پرچمدار و پیشرو این خط در جامعه است که با اطمینان از عدم وقوع سناریوی سیاه و عراقیزه شدن جامعه ایران صحبت میکنم.

يك نکته را هم باید تاکید کنم که در شرایط حاضر تبلیغ اینکده در صورت حمله آمریکا جامعه ایران به وضعیتی مشابه عراق دچار خواهد شد و ترساندن مردم از امکان سناریوهای سیاه نمیتواند به نفع حکومت اسلامی عمل کند. این به مرگ گرفتن برای به تب رضایت دادن مردم است. سطح مبارزات مردم ایران و توازن قوا میان حکومت و مردم همین امروز در آن حدی هست که بتواند نه تنها از وقوع سناریوی سیاه جلوگیری کرد بلکه تعرض وسیعی را برای سرنگونی حکومت

اسلامی در دل شرایط جنگی سازمان داد. در چنین وضعیتی دم زدن از سناریوی سیاه و رضایت دادن به حفظ مدنیت و شیرازه های جامعه در صورت وقوع جنگ، عملاً بعنوان عاملی در جهت به تمکین و سکون کشاندن مردم عمل خواهد کرد.

محسن ابراهیمی: همانقدر که تبلیغات و بحث بر سر احتمال حمله نظامی جلیتر میشود، همانقدر صف بندیها در اپوزیسیون/شکال جدید به خودش میگیرد. دو باره از این ور یا آن ور غش کردن باب شده است. جریانات ناسیونالیست مشخصاً همان طیفی هستند که خود را یا در کنار جمهوری اسلامی می یابند یا در کنار آمریکا. بخشی از ناسیونالیستهای عظیمت طلب به طبل میهن پرستی و تمامیت ارضی میگویند و علناً اعلام میکنند حاضرند در کنار جمهوری اسلامی قرار گیرند. ناسیونالیستهای قومی هم ستاره بختشان را در این حمله جستجو میکنند و حاضرند زمین زیر حمله نظامی را جارو کنند و برای تبدیل شدن به پادوی حمله نظامی از سر و کول هم بالا میروند. چه عوامل سیاسی این نیروها را به این وضعیت انداخته است؟

حمید تقوایی: برخورد نیروهای سیاسی به جنگ و احتمال وقوع جنگ ناشی از مواضع آنها در قبال حکومت، در قبال مبارزات انقلابی مردم، و کلا آلت ناتویا و سناریوهای حکومتی است که این نیروها دنبال میکنند. میگویند جنگ ادامه سیاست به طرق دیگر است. برای نیروهای اپوزیسیون نیز این گفته صادق است. اینها هم در دل فضا و شرایط جنگی اهداف و سیاستهای همیشگی خود را به طرق جدید دنبال میکنند.

نیروهای اپوزیسیون راست که هر يك به نحوی در برخورد به رژیم به تحولات از بالا و سناریوهای رژیم چنچی چشم دوخته اند اکنون با در چشم انداز قرار گرفتن حمله نظامی، بدنال متحدين خود در میان طرفین جنگ میگردند و صریح تر و با جسارت و وقاحت کم نظیری که خاص "شرایط خطیر جنگی" است همراهی و هم خطی خود را با حکومت اسلامی و یا با آمریکا و دول غربی اعلام میدارند.

دفاع از دولت خودی و تمامیت

ارضی يك موضع میتوان گفت کلاسیک نیروهای ناسیونالیست در شرایط جنگی است. در شرایط جنگ اول جهانی حتی بخشی از نیروهای چپ در روسیه و در اروپای آن زمان، منشویکها و تمام نیروهای انترناسیونال دوم، با پرچم دفاع از دولت خودی به حمایت از دولتهایشان پرداختند و لنین و بلشویکها تنها با افشاکری و مقابله بی امان با این نیروها توانستند انقلاب اکتبر را در دل جنگ سازمان بدهند و به پیروزی برسانند. امروز هم ناسیونالیستهای ما از چپ و راست قدم در این راه میگذارند و يك وظیفه تعطیل ناپذیر ما مانند بلشویکهای آن زمان افشای پیگیر این نیروها است. امروز نیز مانند دوره جنگ با عراق بخشی از سلطنت طلبان، دوخردادیهها، حزب توده و فدائیان اکثریت بیرق دفاع از رژیم در برابر دشمن خارجی، یا دست کشیدن "موقت" از مبارزه با حکومت اسلامی در صورت وقوع جنگ را بلند کرده اند. این مانند مورد عراق یکی از فواید سیاسی برکت جنگ برای جمهوری اسلامی است.

بخش دیگری از نیروهای ناسیونالیست، نیروهای قومگرا، خود را آماده میکنند که در کنار نیروهای آمریکائی وارد جنگ بشوند. این دیگر يك موضع کلاسیک ناسیونالیستی نیست بلکه ناشی از شرایط ویژه نظم نوین جهانی است. این نیروها سناریوی بقدرت رسیدن در يك دولت قومی مذهبی را دنبال میکنند. مدل اینان مشخصاً سهیم شدن اتحادیه میهنی و حزب دموکرات کردستان عراق در قدرت سیاسی بدنبال حمله نظامی آمریکا به عراق است. اما همانطور که بالاتر اشاره کردم ایران عراق نیست. در اینجا نیز تفاوت اساسی میان شرایط ایران و عراق اجازه نمیدهد رویاهای این نیروهای ارتجاعی جامه عمل بپوشد. به نظر من جنگ و شرایط جنگی این نیروها را بیش از پیش در میان مردم ایران منزوی خواهد کرد.

محسن ابراهیمی: در این میان نیروهایی از اپوزیسیون با پرچم "صلح و دموکراسی" به میدان آمده اند. میگویند نه به آمریکا و نه به جمهوری اسلامی، آری به صلح. میگویند این يك موضع سوم و نیروی سوم است. نظرتان در باره چنین موضعی چیست؟ اگر چنین

موضعی واقعا نیرومند بشود نمیتواند در جلوگیری از این اتفاق موثر باشد؟

حمید تقوایی: این مشخصاً شعار بخشی از نیروهای دوخردادی است. منظور اینان از نه به رژیم، نه به خط فقیه و کابینه احمدی نژاد است و میخواهند دوباره خط دوخرداد را این بار با کاراکترهای تازه ای نظیر رفسنجانی و با شعار "صلح و دموکراسی" احیا کنند. برای اینها هم جنگ ادامه سیاست است. تا آنجا که به مقابله اینان با مردم و مبارزات و اعتراضات انقلابی مردم علیه کل حکومت مربوط میشود موضع اینان با اپوزیسیون سلطنت طلب فرقی ندارد. هر دو این نیروها میخواهند با استفاده از جنگ و شرایط جنگی مبارزات انقلابی مردم را به بیراهه و شکست بکشانند. دوخردادیهها کماکان در پی به سازش کشیدن مردم با حکومت و یا بخشی از حکومت هستند. مساله اینان صلح و دموکراسی نیست. این مانند اصلاحات و جامعه مدنی اسم رمز سیاست حفظ کل نظام اسلامی از انقلاب مردم است. واقعیت اینست که جامعه با عبور از دو خرداد و خاتمی کلا از خط استحاله و دموکراسی و غیره عبور کرده و به افق انقلاب و سرنگونی انقلابی کل حکومت روی آورده است. این را ما در مبارزات و حرکات اعتراضی هر روزه کارگران و دانشجویان و زنان و جنبشهای اعتراضی جاری در جامعه مشاهده میکنیم. در برابر این وضعیت بخشی از دوخردادیههای سابق در پی آنند که به بهانه جنگ این بار همان سیاست افشا و رسوا شده حفظ کلیت نظام را در بسته بندی صلح و دموکراسی به بازار بیاورند. این متاع به نظر من خریداری نخواهد داشت. جنگ و شرایط جنگی همانطور که گفتم تنفر و رویگردانی مردم از کلیت رژیم را تشدید خواهد کرد و هر نوع تلاش برای دفاع از جناحها تی از رژیم، این بار تحت عنوان جناح صلح طلب و یا ضد جنگ و با هر آرایش و ظاهر سازی دیگری، راه بجائی نخواهد برد.

محسن ابراهیمی: حزب کمونیست کارگری مبتکر "جبهه سوم در مقابل میلیتاریسم دولتی آمریکا و ترویسیم اسلامی" است. فرق راه جبهه سوم با صلح طلبی ای که در سؤال قبل

مطرح کردم چیست؟

حمید تقوایی: جبهه سوم جبهه تعرض به قطب ترویسیتی آمریکا و ترویسیم اسلامی در ایران و در سطح جهان است. این جبهه دفاع از وضع موجود نیست، جبهه اعتراض رادیکال و انسانی به نظم موجود برای رسیدن به يك دنیای انسانی و به آزادی و برابری است. ما در پلاتفرم جبهه سوم اعلام کردیم که اعتراضات و جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران، به یمن شرایط عینی سیاسی در جامعه ایران، در صف مقدم مبارزه مردم متمدن جهان در مقابل با قطبهای ترویسیتی قرار دارد و از همین رو دفاع از مبارزات مردم ایران و تلاش برای منزوی کردن جمهوری اسلامی در سطح جهانی را يك وظیفه عاجل جبهه سوم اعلام کردیم. در مقابل خطر حمله نظامی به ایران نیز بر همین وظیفه با میفشاریم. کلید اصلی نه تنها برای خنثی کردن خطر حمله به ایران و در صورت وقوع این حمله برگرداندن ورق به نفع مردم ایران و جهان، بلکه در عقب راندن ترویسیم اسلامی و ترویسیم دولتی آمریکا در منطقه و در سطح جهانی، سرنگون کردن جمهوری اسلامی بقدرت انقلابی مردم است. مردم جهان میتوانند و باید نقش تعیین کننده در زمینه سازی و کمک به شکل دهی انقلاب در ایران ایفا کنند. اینها از مبانی پلاتفرم و بیانیه جبهه سوم است. فکرمیکنم کاملاً روشن باشد که سیاست و هدف جبهه سوم کاملاً در نقطه مقابل صلح طلبی نوع دوخردادی قرار میگیرد.

محسن ابراهیمی: بعنوان آخرین سؤال مشخصاً سیاست حزب کمونیست کارگری در قبال خطر جنگ و در شرایطی که جنگ عملاً صورت بگیرد چیست؟ وجه ممیزه سیاست حزب در مقایسه با دیگر نیروهای اپوزیسیون کدام است؟

حمید تقوایی: محور سیاست ما مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی در هر شرایطی است. اجزاء این سیاست بروشنی در قطعنامه کنگره ششم حزب در جوانب مختلف توضیح داده شده است.

جنگ و شرایط جنگی وضعیت سیاسی ویژه ای در ایران بوجود آورده است و سیاست ما در قبال این شرایط ادامه خط همیشگی دفاع از

قطعنامه در مورد خطر جنگ و ضرورت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی

مصوب کنگره ششم حزب کمونیست کارگری - مه ۲۰۰۷

۱- بر متن آنچه "بحران هسته ای" نامیده می‌شود فضای جنگی، تحریم اقتصادی، تهدید حمله نظامی آمریکا و خطر جنگ جامعه ایران را در چنگال خود می‌فشارد. فشار این جنگ، هنوز آغاز نشده، سایه سیاه خود را بر جامعه افکنده است و بر زندگی مردم ایران سنگینی می‌کند. این جنگ و کشمکش میان نیروهای ارتجاعی هیچ ربطی به منافع و خواستهای مردم ندارد. مردم قربانیان این جنگ و کشمکش هستند و راه خلاصی از این وضعیت نیز در دست خود مردم است.

۲- مبنا و اساس تخاصم و کشمکش موسوم به "بحران هسته ای" جنگ قدرت میان اسلام سیاسی و دولت آمریکا است. این تخاصمی در ادامه ۱۱ سپتامبر و حمله به افغانستان و عراق است اما در شرایط کاملاً متفاوتی بوقوع می‌پیوندد. برای جمهوری اسلامی این جنگی برای تقویت موقعیت خود در منطقه و ازاین طریق تخفیف بحرانی است که در جامعه و در مقابل موج فزاینده مبارزه و اعتراض مردم با آن روبرو است و برای دولت آمریکا این جنگی است با هدف تأمین سلطه بلامنازعش بر خاورمیانه. اما طرح حمله احتمالی به ایران بر خلاف مورد عراق در ۲۰۰۳، از موضع ضعف نئوکنسرواتیسم صورت می‌گیرد. جنگ طلبی جمهوری اسلامی نیز از سر استیصال و درماندگی اش در عرصه سیاست داخلی است. یکی بدنبال جریان شکست در باتلاق عراق است و دیگری بدنبال تحکیم موقعیت لرزان و بحرانی‌تر از آن در مقابل مردم معترض و بجان آمده جامعه.

۳- وجود يك جنبش رادیکال سرنگونی طلبانه، و همچنین نفوذ و مقبولیت شعارها و سیاستهای چپ در این جنبش، راه حل مستقل، رادیکال و تعرضی ای در برابر مردم ایران و مردم متمدن جهان برای مقابله با دو قطب جنگ تروریستها قرار داده است. این آلترناتیو

سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت کارگران و مردم انقلابی در ایران و حمایت فعال مردم آزادیخواه و ضد جنگ در سطح جهانی از جنبش انقلابی در ایران است.

۴- در ایران تشدید و گسترش اعتراضات و مبارزات کارگران و بخشهای مختلف جامعه علیه جمهوری اسلامی فاکتور اساسی ای در شکستن فضای جنگی و مقابله واقعی و تعرضی با خطر حمله نظامی به ایران است. علیرغم ایجاد يك فضای جنگی، تحریم اقتصادی و تهدید حمله نظامی، اعتراضات کارگران و دیگر بخشهای معترض جامعه نه تنها فروکش نکرده است بلکه در حال گسترش و پیشروی است. بر زمینه این شرایط مساعد سازماندهی يك تعرض گسترده به حکومت با پرچم خواستهای مشخص در جنبش کارگری، جنبش آزادی زن، و در اعتراضات معلمان و دانشجویان و سایر مردم زحمتکش جامعه تنها راه عملی مقابله با خطر جنگ و تحقق شعار "نه بمب، نه جنگ" است.

در صورت وقوع جنگ نیز مبارزه مستقل مردم برای بزرگ کردن کشیدن جمهوری اسلامی و سازمانیابی برای بدست گرفتن کنترل محلات و شهرها و مقابله با کلیه نیروهای ارتجاعی تنها راه واقعی پیشروی و پیروزی کارگران و توده مردم است.

۵- در سطح جهانی جنبش ضد جنگ اگر نخواهد به پاسیفیسم و تمکین به دنیای موجود در بغلظت، باید در کنار مقابله با سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و متحدینش، حمایت از مبارزات مردم ایران و محکوم کردن جمهوری اسلامی را در دستور خود قرار بدهد. تقویت مبارزات کارگران و زنان و جوانان و مردم آزادیخواه ایران علیه جمهوری اسلامی يك رکن تعیین کننده جلوگیری از حمله نظامی به ایران و در صورت وقوع این حمله خنثی کردن عواقب و آثار زیانبار آن خواهد بود.

۶- يك عارضه مستقیم جنگ و فضای جنگی تقویت گرایشات ناسیونالیستی و اسلامی در سطح جهانی، در خاورمیانه و در میان برخی نیروهای اپوزیسیون در ایران است. بالا گرفتن خطر حمله به ایران و وقوع جنگ، در جنبش ضد جنگ در سطح جهانی گرایش حمایت از جمهوری اسلامی و یا حداکثر سکوت در مقابل آنرا (بعنوان طرف ضعیف و قربانی این جنگ، قهرمان مقاومت در برابر امپریالیسم و غیره) تقویت خواهد کرد، در سطح منطقه جمهوری اسلامی به قهرمان جنبش اسلامی در مقابل آمریکا تبدیل خواهد شد، و در خود ایران گرایش ناسیونالیستی در میان اپوزیسیون راست و ملی- اسلامی و حتی برخی نیروهای چپ سنتی و "ضد امپریالیست" عود خواهد کرد. مقابله با این گرایشات يك وظیفه محوری جنبش انقلابی ضد جنگ است.

۷- حزب کمونیست کارگری خواهان خلع سلاح اتمی همه دولتها است. از نقطه نظر کارگران و مردم ایران راه حل واقعی آنچه "بحران هسته ای" نامیده می‌شود و عوارض آن (اتمی شدن رژیم، محاصره اقتصادی و گرانی کمرشکن و دیگر عواقب وخیم آن برای مردم، تهدید جنگ و خود جنگ، مرعوب کردن جامعه از جانب رژیم، سرنگونی جمهوری اسلامی و ...). بحران موجود تنها با تقویت و پیشروی هر چه بیشتر جنبش سرنگونی و در نهایت سرنگون شدن حکومت بقدرت انقلاب مردم میتواند به نفع مردم حل شود. هر راه حل دیگری به تقویت یکی از دو قطب تروریستی غرب و یا جمهوری اسلامی و یا هر دو آنها منجر خواهد شد.

۸- در سطح منطقه نیز يك رکن اساسی راه حل بحران خاورمیانه تقویت مبارزات علیه جمهوری اسلامی و سرنگونی این رژیم است. در شرایط حاضر سیاست هژمونی

طلبانه آمریکا در خاورمیانه، جنگ عراق، و قدرتگیری و نفوذ جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی در خاورمیانه و مشخصاً عروج نیروهای اسلامی در عراق و فلسطین و لبنان که خود يك نتیجه مستقیم حمله آمریکا به عراق است، عوامل اصلی بحران خاورمیانه را تشکیل میدهد. تخاصم میان جمهوری اسلامی و آمریکا بر چنین زمینه ای صورت می‌گیرد. مشخصاً علت واقعی کشمکش میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی که خود را در قالب "بحران هسته ای" نشان میدهد، سیاستهای منطقه ای دولت آمریکا، موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه، دخالتگریهای در عراق و فلسطین و لبنان و مغایرت این دخالتگریها با سیاستهای آمریکا در منطقه است.

تفوق هر يك از طرفین این تقابل و کشمکش بر دیگری و یا هر نوع بالانس و سازش آنها با یکدیگر در منطقه بهبودی در شرایط زندگی مردم ایجاد نخواهد کرد و همچنان بحران جنگ و ناامنی را بر بالای سر مردم ایران و منطقه قرار خواهد داد. تنها سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم ضربه کاری ای بر هر دو طرف این مقابله تروریستی خواهد بود و کل جغرافیای سیاسی منطقه را به نفع مردم تغییر خواهد داد.

۹- تضعیف بیش از پیش جمهوری اسلامی بقدرت جنبش انقلابی مردم و سرنگونی آن، ضربه تعیین کننده ای نه تنها به جنبش اسلام سیاسی بلکه به سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و متحدینش در خاورمیانه و در سراسر جهان وارد خواهد کرد. پیشروی و پیروزی يك انقلاب چپ و کارگری در ایران کل فضای سیاسی در منطقه و در سطح جهانی را به نفع برابری طلبی و آزادیخواهی و سکولاریسم تغییر خواهد داد و ارتجاع نظم نوینی را به موضع تدافعی خواهد راند. "بحران هسته ای" را میتوان و باید به "بحران انقلاب" علیه جمهوری اسلامی سرمایه و علیه نظم نوین جهانی

تبدیل کرد. کارگران و مردم آزادیخواه در ایران و در سراسر جهان در صورتی از این شرایط پیروز بیرون خواهند آمد که اولاً جمهوری اسلامی بقدرت مردم انقلابی یا سرنگون شده و یا به سرنگونی بسیار نزدیک شده باشد و ثانیاً دولت آمریکا و کلا سیاستهای میلیتاریستی و هژمونی طلبانه نظم نوینی در غرب کاملاً رسوا و منزوی و حاشیه ای شده باشند. مانند مورد ویتنام دولت آمریکا باید در اتاق نشیمنهای مردم در خود آمریکا شکست بخورد.

۱۰- در جامعه ایران زمینه قدرت گیری و پیشروی جنبش سرنگونی در دل بحران جنگی حاضر کاملاً فراهم است. مخالفت مردم با هر دو سوی کشمکش "بحران هسته ای" که در شعار "نه بمب، نه جنگ" متجلی میشود، مصونیت کارگران و توده مردم ایران در برابر تبلیغات و عوامفریبیهای "ضد آمریکائی" حکومت، شکست سیاست حکومت مبنی بر ارباب و مختنق کردن جامعه، انزوی نیروهای اپوزیسیون راست و آلترناتیوهای آنان در جامعه، رشد شعارها و نقد و اعتراض سوسیالیستی در جنبش سرنگونی، و حضور قدرتمند حزب کمونیست کارگری در صحنه سیاسی از مهمترین شاخصهای وضعیت سیاسی امروز در ایران است.

۱۱- در سطح جهانی نیز جنبش سکولاریستی تعرض تازه ای را آغاز کرده است. با به بن بست رسیدن آمریکا در عراق، وقفه ای که ۱۱ سپتامبر در پروسه افول اسلام سیاسی و سیاستهای نئو کنسرواتیستی هر دو ایجاد کرده بود به پایان میرسد و در سراسر جهان بویژه در جوامع غربی زمینه برای تعرض تازه ای به نسبت فرهنگی، دخالت مذهب در زندگی اجتماعی، نئوکنسرواتیسم، و اسلام سیاسی فراهم میشود. بر متن این شرایط جنبش ضد جنگ میتواند بر مبنای يك پلانفرم چپ و سکولار، و تعرضی تر و رادیکال تر از گذشته

از میان نامه ها و سئوالات

خطر جنگ و تفاوت‌های بین ایران و عراق

سئوال منصور ترکاشوند از حمید تقوایی

خطر در گرفتن جنگ مدتهاست بر سر جامعه ای ایران معلق نگاهداشته شده است. نه فقط آمریکا بلکه رسماً جمهوری اسلامی با دمیدن در این "خطر سازی" نقش به سزایی در معلق نگاهداشتن این شمشیر بر سر جامعه دارند و بازی میکنند. بهانه گیری های آمریکا و لجاجتهای جمهوری اسلامی تا "دقیقه ای نود" هر دو وجود دارند و واقعیند و به یک میزان جنگ طلبانه اند.

یک تصویر الگو بردارنده از این شرایط این است که گویا "ایران و جمهوری اسلامی، چیزی شبیه صدام و جمهوری هسند و بهانه هسته ای نیز چیزی شبیه همان بهانه سلاح کشتار جمعی". و گویا آمریکا به همان سبک و روشی که در مورد عراق و صدام حسین و بهانه "سلاح کشتار جمعی" عمل کرد می خواهد و می تواند با جمهوری

جنبش "خلق کرد" وجود داشت و دیده میشود.

واقعیت بعدی این است که آنچه امروز در عراق میگذرد ادامه جنگ آمریکا و رژیم صدام نیست. جنگ آمریکا و صدام و ارتشش، بیش از یک ماه طول نکشید و برای همیشه تمام شد. جنگ و بحران فعلی جاری در عراق عملاً جنگ دیگری است، جنگ بین بخشهای مختلف اسلام سیاسی با هم و با آمریکا است. و عملاً همین جنگ آمریکا را زمینگیر کرده است. به لطف اسلام سیاسی و جنگ همه عا لم دارند عواقب دمو کراسی آمریکایی را آنطور که هست میفهمند.

استراتژیستهای آمریکایی واقعیت جنگ جاری و تفاوتش با جنگ با صدام عراق را در یافته اند، پیروزی در جنگ فعلی، عین یافتن و کشتن بن لادن، مشکل است. عراق میدان تاخت و تاز و حوش رنگارنگ اسلامی و حامیان نظم نوین است. جنایاتی که روزانه در عراق رخ میدهند بپای هر دو جنایتکار نوشته خواهد شد.

خیابان و کوچه ها را نا امن خواهند ساخت. و این فضای سیاسی را به شدت ملتهب خواهد کرد. کد "جنگ سوم جهانی" ریشه ای اگر دارد همینجاست.

خلاصه اینکه لحاظ کردن تفاوت‌های اسلام سیاسی و نماینده بخش وسیعی از آن یعنی جمهوری اسلامی با عراق و رژیم صدام ضروریست، نظر شما در این رابطه چیست؟ الگو برداری صرف از شرایط جنگ آمریکا با عراق را چگونه ارزیابی می کنید؟

منصور عزیز

سئوال مهمی را طرح کرده ای. در همین شماره انترناسیونال، گفتگوی مفصلی در باره جوانب مختلف جنگ احتمالی چاپ شده است که در آن به نکات مطرح شده در مطلب پرداخته ام. از نظر من سئوال تو در این گفتگو پاسخ داده شده است و اگر سئوال تو با این مصاحبه همزمان نمیشد حتما مستقلاً و مفصلاً جوابش را مینوشتم.

با آرزوی سلامتی و شادی

حمید تقوایی

نامه شهلا دانشفر به سازمانها و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان

وزارت اطلاعات شروع به دستگیری کارگران اعتصابی در هفت تپه کرده است

کارگران خواهان حمایت جهانی هستند

محمود صالحی، منصور اسانلو و ابراهیم مددی و برای آزادی همه زندانیان سیاسی، اقدامی چون ۱۵ فوریه ۲۰۰۵ و ۹ اوت امسال میتوانند فشاری دیگر بر رژیم اسلامی و گامی موثر در آزادی کارگران زندانی در ایران باشد. ما منتظر اقدامات شما در این راستا هستیم.

با احترام
شهلا دانشفر

هماهنگ کننده کمیته همبستگی
بین المللی کارگری (WPI)

۷ نوامبر ۲۰۰۷

جمهوری اسلامی را بخاطر اقدامات ضدکارگری محکوم کنند و از خواستهای کارگران هفت تپه حمایت کنند. چند خواست فوری و مهم کارگران به این شرح است:

- ۱- آزادی فوری و بی قید و شرط قربان علیپور و محمد حیدری مصر
 - ۲- پایان دادن به دستگیری کارگران و لغو هرنوع پرونده علیه آنها
 - ۳- حق تشکیل مجمع عمومی هفتگی در روزهای پنجشنبه از ساعت ۱ تا ۲ بعدازظهر
 - ۴- حق تشکیل سندیکا
- یک اقدام جهانی در اعتراض به دستگیری کارگران در ایران و از جمله

موفق شدند دستمزدهای معوقه را دریافت کنند. اکنون رژیم تلاش میکند با دستگیری فعالین و پرونده سازی برای آنها، رهبرانشان را فلج کند، کارگران را مرعوب کند و مانع دستیابی کارگران به تشکل خود شود.

کارگران نیشکر هفت تپه تابحال مصمم و متحد درمقابل این توطئه ها ایستاده اند. اما با گسترش فشارهای وزارت اطلاعات به یک حمایت وسیع بین المللی نیاز دارند. کمیته همبستگی بین المللی کارگری از همه سازمانها و اتحادیه های کارگری در خواست میکند که

کارگر شرکت و ۲۰۰۰ کارگر فصلی وابسته به آن از روز پنجشنبه ۸ نوامبر دست به اعتصاب یکپارچه خواهند زد.

جرم کارگران شرکت در اعتصاب برای حقوقها و مزایای معوقه، جمع آوری ۲۵۰۰ امضا برای تشکیل سندیکا، خواست برپائی منظم و هفتگی مجمع عمومی است. احتمالاً در جریان هستید که بیش از ۴ هزار کارگر نیشکر هفت تپه از تاریخ ۲۹ سپتامبر تا ۱۰ اکتبر در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده و خواستهای دیگر خود دست به اعتصاب زدند و پس از یازده روز

به اطلاع میرسانیم که عصر روز دوشنبه ۵ نوامبر (۴ آبان) یکی از کارگران نیشکر هفت تپه به اسم قربان (رمضان) علیپور توسط مامورین وزارت اطلاعات رژیم دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شده است. ساعت ۷ و نیم صبح روز چهارشنبه ۶ نوامبر نیز محمد حیدری مصر یکی دیگر از کارگران این شرکت را دستگیر کردند. کارگران در اعتراض به دستگیری همکاران خود امروز در شیفت صبح دست به اعتصاب زدند و درمقابل دفتر شرکت تجمع کردند. کارگران اعلام کردند که اگر همکارانشان آزاد نشوند ۴۰۰۰

از صفحه ۶ قطعنامه در مورد ...

بسیج شود و سازمان پیدا کند.

۱۲- اساس سیاست حزب در مقابل جنگ تروریستها بسیج و سازماندهی و بمیدان آوردن جبهه

رهبری حزب استراتژی سازماندهی انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت کارگران و مردم انقلابی را در دل شرایط حاضر و بعنوان یک رکن تعیین کننده پاسخ مردم ایران و جهان به تخاصم دو قطب تروریستی پیگیرانه و با قاطعیت دنبال خواهد کرد. *

حمایت جهانی از این مبارزات است. طرد و منزوی کردن جمهوری اسلامی در سطح جهانی و جلب حمایت مردم دنیا از مبارزات مردم ایران در محور سیاست حزب در مقابل با خطر جنگ قرار دارد و یک رکن استراتژی حزب برای تصرف قدرت سیاسی است.

مردم و تصرف قدرت سیاسی است. مبارزه علیه هر دو قطب تروریستی در شرایطی که جمهوری اسلامی، یعنی ستون فقرات جنبش اسلام سیاسی، خود مستقیماً یک طرف جنگ است مستلزم تقویت و گسترش مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و بسیج و جلب

دعوت به جلسه پالتاک در اعتراض به خشونت بر علیه زنان، علیه احکام شلاق و زندان دلارام علی

"علیه تبعیض سازمان دفاع از حقوق زن" دعوت میکند

۲۵ نوامبر روز جهانی اعتراض به خشونت بر علیه زنان است. علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زنان از همگان دعوت میکند در یک جلسه پالتاک در مورد خشونت سازمان یافته دولتی بر علیه زنان در ایران و بویژه برای سازماندهی یک اعتراض فوری به حکم شلاق و زندان دلارام علی حضور بهم رسانند.

سخنرانان:

مهین علیپور دبیر سازمان علیه تبعیض
مینا احدی سخنگوی سازمان علیه تبعیض

زمان:

پنجشنبه ۸ نوامبر ۲۰۰۷ ساعت هشت شب به وقت اروپای مرکزی

اطاق ایران - علیه تبعیض
"علیه تبعیض - سازمان دفاع از حقوق زن"

۷ نوامبر ۲۰۰۷

از صفحه ۵ گفتگو با حمید تقوایی

و نمایندگی کردن مبارزات مردم در برابر جمهوری اسلامی و سرنگونی حکومت بقدرت انقلاب مردم است. جنگ همانطور که تاریخ بارها نشان داده میتواند به سرنگونی انقلابی دولتهای درگیر در جنگ منجر شود. و ما با تمام قوا میکوشیم این تجربه در ایران جمهوری اسلامی نیز تکرار شود.

اجزا سیاست ما بسیج قطب سوم، نیروی جهان متمن در برابر دو قطب تروریستی، افشای نیروهای سازشکار با طرفین جنگ، تقویت و سازماندهی اعتراضات و مبارزات جاری مردم و جلب حمایت بین المللی از این مبارزات، و تلاش برای منزوی کردن و بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی از جانب دولتها و نهادهای بین المللی است. تنها راه انسانی مقابله با خطر جنگ، سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت اعتراضات و مبارزات مردم است و این کاملاً عملی و امکان پذیر است.

همانطور که بالاتر اشاره کردم یک تفاوت اساسی اوضاع ایران با کشورهای عراق و افغانستان وجود یک جنبش اعتراضی چپ و قدرتمند در ایران است. در چند ساله اخیر جنبشهای اعتراضی مختلف، اعتراضات و اعتصابات کارگری، جنبش آزادی زن، جنبش دانشجویی، جنبش دفاع از حقوق کودک، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و جنبش علیه مجازات اعدام با شعارهای و بیانیه هائی که هر روز چپ تر و رادیکال تر میشود بطور مستمری ادامه داشته است. و مدتهاست مساله قدرت سیاسی مساله ای باز و مورد مناقشه جنبشهای طبقاتی مختلف در جامعه است. امروز، مشخصاً از مقطع افول و شکست دوزخداد، خط استحاله و تغییرات تدریجی و زمینه سازی برای یک جمهوری اسلامی دوم کاملاً شکست خورده و در جامعه منزوی شده است. آلترناتیوهای راست نظیر نافرمانی

مدنی و رفراندوم و رژیم چنج و انقلاب مخملی و غیره نیز جایگاهی در جامعه ندارند. در عوض خط انقلاب و سرنگونی انقلابی رژیم، و نقد و اعتراض سوسیالیستی به کل نظم موجود هر روز بیشتر در جامعه جا باز میکند و چهره خود را در اعتراضات مردم نشان میدهد. در رابطه با مساله هسته ای، جنگ و تهدیدات جنگی نیز ما شاهد شعارهائی نظیر نه جنگ نه بمب، منزلت معیشت حق مسلم ما است، نه انرژی هسته ای نه حقوق ۱۸۰ هزار تومن از جانب کارگران و اقتشار معترض مردم بوده ایم. جامعه از هم اکنون دست رد به سینه سیاستهای سازشکارانه زده است.

این خط جنبش و حزب ما است. ما بر متن این شرایط به نیروی مردم در برابر جنگ و تهدیدات جنگی می ایستیم و ورق را به نفع انقلاب و علیه حکومت اسلامی، علیه آمریکا و علیه نیروهای سیاسی زانده آنها در اپوزیسیون برمیگردانیم. *

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

"راه حل" ها و موعظه هایی که به بقا جمهوری اسلامی و تعدیل آن نظر دارد، همه "راه حل" هایی که ناظر بر حل و فصل قدرت سیاسی از بالای سر مردم است، با همه تشبثات ناسیونالیستی، چه عظمت طلبانه و چه قومی، با همه گیج سری ها و ناپیگیری ها قاطعانه مقابله خواهیم کرد. جواب مسابقه در راست روی را فقط میتوان با یک جنبش عظیم و گسترده چپ و انقلابی علیه جنگ و علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری و سوسیالیسم داد.

حزب کمونیست کارگری یک باردیگر اعلام میدارد که راه حل کارگران و مردم آزادخواه در ایران و در سطح جهان برای جلوگیری از وقوع جنگ و برای مقابله باعواقب وخیم و ختم آن به نفع جبهه آزادی و برابری، تشدید و تقویت جنبشهای اعتراضی و سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب مردم است.

نه جنگ، نه جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی! حزب کمونیست کارگری ایران ۱۷ آبان ۱۳۸۶، ۸ نوامبر ۲۰۰۷

در مقابل این راست روی ها، به نمایندگی قطب چپ جامعه، کارگران، زنان و جوانان و همه نیروهای انقلابی و آزادخواه، حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که علیه همه این پروژه های راست محکم ایستاده است. حزب با اتکاء به نیروی طبقه کارگر و مردم آزاده اجازه نمی دهد که به بهانه جنگ مصیبت جمهوری اسلامی ادامه یابد و یا مصیبت دیگری را بعنوان راه حل به مردم تحمیل کند. همچنانکه در قطعنامه کنگره ششم حزب اعلام کردیم راه مقابله با این جنگ و یا فضای جنگی اساساً پیشروی جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم، به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی است. این قطعنامه بطور مشخص موضع و وظایف جنبش و حزب ما، چه در داخل و چه خارج را برای جلوگیری از جنگ و در صورت وقوع برای تخفیف مصائب و قطع فوری آنرا بر شمرده است. ما با تلاش با گردآوردن وسیع ترین نیروی اجتماعی و بین المللی حول جهت گیری این قطعنامه اعلام میکنیم که با همه

آمریکائی، و هم انواع و اقسام اپوزیسیون راست رژیم ایستاده است. قطب انسانیت. قطب آزادیخواهی و برابری طلبی. قطب کمونیسم کارگری. کارگران، زنان و معلمان و دانشجویان.

با بالا گرفتن تهدید جنگی و تبلیغات جنگی جامعه یکباره دارالمجانین نمی شود، بلکه مبارزه طبقاتی سابقاً جاری در اشکال حاد و قطبی تر بروز می یابد. این دقیقاً توضیح دهنده این راست روی های سراسیمه و هیستریک فوق الذکر است. با کمی دقت میتوان فهمید این حضرات در واقع در مقابل جنگ یا خطر جنگ و مصائب واقعی آن موضع نمی گیرند، بلکه مواضع شکست خورده و به هیچ جا نرسیده قبلی خود را بهانه خطر جنگ و مقابله با مصائب آن دوباره عرضه میکنند. و این بار بی پرده تر حرف دلشان را میزنند. بهمان میزان هم جامعه از لحاظ سیاسی قطبی تر میشود و انتخاب بین چپ و راست که در سالهای اخیر به نفع چپ در جریان بوده است قطعی تر صورت میگردد.

از صفحه ۱ بیانیه حزب ...

میکند که زیر باران کروزها و غرش هواپیماهای جنگی و در معیت ارتش آمریکا آماده هر جنایتی هستند.

و دسته سوم و البته حاشیه ای که با هیچکدام از دو دسته فوق نیستند، کسانی که قبلاً شکست یا افول و عقب نشینی جنبش سرنگونی و سوسیالیسم را اعلام کرده بودند، حالا فضای تهدید جنگی و خطرات و مصائب واقعی جنگ را دستمایه رواج گیج سری و عرضه کالای یاس و شکست طلبی خود، و در واقع دنباله روی عملی از جریانات فوق، یافته اند.

ایران اما عراق و افغانستان نیست. بازگر صحنه سیاست ایران فقط جمهوری اسلامی و دار و دسته هایش و یا اپوزیسیون بورژوازی و "اتحاد شمال" چی ها و چلبی هایش نیستند. در ایران یک قطب اجتماعی بسیار قدرتمند چپ، رادیکال و سکولار حضور دارد که هم مقابل جمهوری اسلامی، هم جنگ و تروریسم دولتی و رژیم چنج نوع

اعلام کرده اند که در کنار جمهوری اسلامی خواهند بود! کسانی از اینها کفش و کلاه کرده اند تا هرچه سریعتر به میهن برگردند و با حفظ "مرزبندی ها" در کنار احمدی نژاد و خامنه ای قرار گیرند. کسانی رویاهای شکست خورده دوم خرداد و جمهوری اسلامی دوم را از گنجه بیرون می آورند و رنگ و جلا میدهند و جلدی تر از خود جمهوری اسلامی برای مضحکه انتخابات آماده میشوند. اینها امیدوارند که یک دور دیگر خاتمی و حتی رفسنجانی را بعنوان ناجی به مردم بفروشند!

آنهايي که نهان و آشکار موافق جنگ اند و آرزوی رژیم چنج از بالای سر مردم دارند، لب مرز تفنگ هایشان را روغن میزنند و امیدوارند نقش "چلبی" و "اتحاد شمال" و "کرزای" و "جلال طالبانی" های ایران را بر عهده گیرند. برخی از اینها برای رژیم اسلامی نامه سرگشاده مینویسند که فکر نکنید لشکر کشی زمینی در کار نخواهد بود! یعنی بی هیچ شرم و حیایبی اعلام